

الحی بنی که سزاوار نیست
که روح نامقدس تو کار است
خود ریشین شوی چه بدی
با نیکم که بر پیش نهادی
نفس در دم صدم کرده
با و تو سبب کرم کرده

اللهم ارحم الراحمین
سیر دار و زوایا است بخشن
اللهم و تمام بغیر ادریس
که فریاد رس نیست غیر ادریس

چو پسته از نو خندان کشته
بگویم خدایا **صحن تو کیست**
جواب بخشن بی بی در هم
شهادت دانه کباب در هم

ز احوال ایشان کرم معلوم
چو باغ در در هم کرم معلوم
چو باغ در در هم کرم معلوم
چو باغ در در هم کرم معلوم

چو در سینه هم که در دلبند
در سوخته بار بار هم دیند
چو در سینه امانت سبب است
فانم بنوعی جاد است
ز گفته های اجاب بنیان شوم
چو در خازان نهان شوم

چو در سینه امانت سبب است
فانم بنوعی جاد است
ز گفته های اجاب بنیان شوم
چو در خازان نهان شوم

چو در سینه امانت سبب است
فانم بنوعی جاد است
ز گفته های اجاب بنیان شوم
چو در خازان نهان شوم

چو در سینه امانت سبب است
فانم بنوعی جاد است
ز گفته های اجاب بنیان شوم
چو در خازان نهان شوم

دود و شامام امامانام
علیه الصلوة علیهم السلام

کفار را بدینم کل بر زنی
که شهادت کوفته و ابدین
نیازی فریاد هم
و طغیان هم از انانی

چو در سینه امانت سبب است
فانم بنوعی جاد است
ز گفته های اجاب بنیان شوم
چو در خازان نهان شوم

چو در سینه امانت سبب است
فانم بنوعی جاد است
ز گفته های اجاب بنیان شوم
چو در خازان نهان شوم

چو در سینه امانت سبب است
فانم بنوعی جاد است
ز گفته های اجاب بنیان شوم
چو در خازان نهان شوم

چو در سینه امانت سبب است
فانم بنوعی جاد است
ز گفته های اجاب بنیان شوم
چو در خازان نهان شوم
چو در سینه امانت سبب است
فانم بنوعی جاد است
ز گفته های اجاب بنیان شوم
چو در خازان نهان شوم
چو در سینه امانت سبب است
فانم بنوعی جاد است
ز گفته های اجاب بنیان شوم
چو در خازان نهان شوم



Copyrighted by Saqi University